



Est.1994

# JCL

**Journal of the College of Languages**  
An Open Free Access, Peer Reviewed Research Journal

<http://jcolang.uobaghdad.edu.iq>

P-ISSN: 2074-9279  
E-ISSN: 2520-3517  
2024, No.(49)  
PP.207-224

## **Negation marker in Standard Persian: a typological analysis based on Gavin's functional model**

**Haidar Naeem Hamza AL- Zoamil**

University of AL- Qadisiyah, College of Archeology, Department of  
Cuneiform studies, AL-Qadisiyah, Iraq

Email: [haider.alzoamil@qu.edu.iq](mailto:haider.alzoamil@qu.edu.iq)

*(Received on 23/6/2023 - Accepted on 20/8/2023 - Published on 2/1/2024)*

DOI: <https://doi.org/10.36586/jcl.2.2024.0.49.0207>



This work is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

### **Abstract:**

A typological analysis the negation marker in different languages is one of the fields of research that has attracted much attention. In Persian language, this constituent has been analysed from different aspects. This study aimed to analyse different aspects of negation marker in the adjectives, the noun phrases and the verb phrases based on typological analysis. Many studies have been revealed that the negation in adjectives has shown lexically and morphologically. In the noun phrases, /hich/ has used as a negative marker necessarily marking the verb phrase as negative too. In the verb phrases, negation occurs morphologically by the addition of the prefix /na/(no) or its variations. In the modal auxiliaries /khastan/ and /tawanestan/(can), aspectual auxiliary /budan/ (be) and lexicalized auxiliary /bayad/(must) negative marker occurs either before the auxiliary or before the main verb. Moreover, in the modal auxiliary /shodan/(will be) and the lexicalized word /shayad/ (perhaps) only the main verb is negated. However, aspectual auxiliary /dashtan/ (to have) has shown a different behavior in that its negative form and the negative form of the modal auxiliary become neutral.

Negation filed in the verb phrases and morphological negative adjectives is narrow and only a portion of negative proposition falls under the field of negation while negative field in the noun phrases is broad and includes the entire proposition.

**Keywords:** Typological analysis, negation marker ,syntactic negation , emphatic negation, field of negation.

## عامل نفی در زبان فارسی معیار: بررسی رده-شناسی براساس مدل نقش‌گرایی

### گیون

دکتر حیدر نعیم حمزه الزوامل،

استادیار زبان فارسی، دانشکده باستان‌شناسی، دانشگاه قادسیه شهر دیوانیه، عراق

#### چکیده:

بررسی رده-شناسی سازه نفی در زبان‌های گوناگون بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در زبان فارسی این سازه از بسیاری جهات قابل بررسی می‌باشد. این پژوهش کوشیده است با نگاهی رده-شناختی به سازه نفی، جنبه‌های مختلف عامل نفی در صفات گروه‌های اسمی و گروه‌های فعلی را بررسی کند. بررسی‌ها نشان می‌دهند نفی در صفات به صورت ساخت‌واژی و واژگانی اتفاق می‌افتد. نفی در گروه‌های اسمی به کمک عامل منفی "هیچ" صورت می‌پذیرد که با منفی‌شدن اسم یا گروه اسمی، فعل نیز الزاماً منفی می‌شود. در گروه‌های فعلی نفی به صورت ساخت‌واژی با افزودن پیشوند "ن" اتفاق می‌افتد. در فعل‌های معین وجه‌نمای "خواستن و توانستن"، فعل معین نمودنمای "بودن" و فعل معین واژگانی‌شده "باید" سازه منفی هم پیش از فعل معین قرار می‌گیرد هم پیش از فعل واژگانی. در فعل معین وجه‌نمای "شدن" و فعل واژگانی‌شده "شاید"، تنها فعل واژگانی منفی می‌شود. فعل معین نمودنمای "داشتن" رفتار متفاوتی از خود به نمایش می‌گذارد و تقابل صورت منفی این فعل نمودنما با صورت منفی وجه‌نمای آن خنثی می‌شود. سیطره عامل نفی در گروه‌های فعلی و صفات منفی ساخت‌واژی محدود بوده و تنها بخشی از گزاره را دربرمی‌گیرد. در صورتی که سیطره نفی در گروه‌های اسمی گسترده و دربرگیرنده همه گزاره است.

**کلید واژه‌ها:** رده-شناسی، عامل نفی، نفی نحوی، نفی تاکیدی، دامنه نفی

#### 1. مقدمه

اصطلاح رده-شناسی نخستین بار در سال 1901 در زبان‌شناسی بکار گرفته شد اما مطالعات مربوط به زبان‌ها عملاً به سده 17 میلادی بازمی‌گردد (گلفام، 1379، ص 175)/

DebirMoghaddam, 1367, ) / (67-13 ص ص 1367, مقدم, Golfam, 1379, p. 175), (شریفی, 1384, p. 90) / (90 ص ص 1384, Sharifi, 1384, p. 90) معتقدند رده‌شناسی در زبان شناسی نوین، ابتدا در قالب طبقه بندی زبان‌های مختلف دنیا بر پایه ساختار ساختارهای آنها نمود پیدا کرد. در این رویکرد، ضمن طبقه‌بندی ساختاری زبان‌های مختلف، به مطالعه الگوها ویا تعمیم‌های موجود میان زبان‌ها پرداخته می‌شود تا ضمن دسته بندی زبان‌ها، روابط موجود میان آنها به لحاظ ساخت‌های دستوری نیز پیدا شوند. تحقیقات متعددی نیز در این حوزه صورت گرفته است زیرا همواره این سوال مطرح بوده است که زبان مورد نظر در کدام رده زبانی قرار می‌گیرد و نیز میزان تفاوت و شباهت آن با زبان‌های هم‌خانواده و زبان‌های دیگر به چه اندازه می‌باشد. تاکنون تحقیقات متعدد رده‌شناسی در زبان فارسی صورت گرفته است. از جمله تحقیقات که در این زمینه وجود دارد می‌توان به (ثمره, 1371, ص ص 80-61) / (Samra, 1371, pp. 61-80), (80 البرزری ورکی, 1381, ص ص 18-3) / (Alborzi Varki, 1381, pp. 3-18), (گل‌فام, 1379, ص ص 175) / (Golfam, 1379, p. 175) اشاره کرد.

یکی از عناصری که مورد توجه زبان شناسان و نیز محققین رده‌شناختی قرار دارد، عنصر نفی در زبان‌ها می‌باشد. مطالعات بسیاری در این زمینه صورت گرفته است که از جمله می‌توان به (هورن, 1978, ص ص 130) / (Horn, 1978, p. 130), (دال, 1979, ص ص 80) / (p. 80), (Dahl, 1979), (پینی, 1985, ص ص 80-75) / (Payne, 1985, pp. 75-80), (جنسن, 1993, ص ص 345) / (Jensen, 1993, p. 345), (کارلوون دن برگ, 1994, ص ص 52-59) / (Karloven), (den berg, 1994, pp. 52-59), (برنینی و رمات, 1996, ص ص 102-107) / (Bernini, G), (Ramat, P, 1996, pp. 102-107) & (کالبرگ و جکانسن, 1999, ص ص 25-37) / (Collberg & Jaknsson, 1999, pp. 25-37), (ورل, 2000, ص ص 43-49) / (Verel, 2000, pp. 43-49), (گیسون, 2001, ص ص 65-68) / (pp. 65-68), (Givin, 2001) اشاره کرد. مطالعات رده‌شناختی زبان در مورد سازه نفی در زبان فارسی وگویش‌های آن عمر کوتاهی دارد.

## 2. پیشینه تحقیق

بحث نفی در زبان فارسی از پیشینه قابل توجهی برخوردار بوده و تقریباً در تمام دستورهای زبان فارسی، این عنصر نیز مورد بررسی قرار گرفته است. (خانلری, 1369, ص ص 78) / (Khanleri, 1369, p. 78) در کتاب خود به معرفی عنصر منفی پرداخته و **خاطر نشان کرده است** حرف نفی در فعل‌های پیشوندی بعد از پیشوند و در فعل‌های مرکب به هم‌کرد فعل افزوده می‌شود. وی (1378, ص ص 43) / (1378, p. 43) در مورد فعل باستان معتقد است قید نفی به صورت (naiy) و در پهلوی به صورت (hagarz) وجود داشته است که صورت "هرگز" هم اکنون نیز در فارسی دیده می‌شود. عبارت بر این، خانلری عنوان می‌کند هر یک از صیغه‌های فعل دو صورت مثبت و منفی دارند که نشانه صیغه منفی «ند» است که بر سر فعل می‌آید.

(ابوالقاسمی, 1375, ص ص 36) / (Abu AL-Qasimi, 1375, p. 36) به این اشاره می‌کند که در اوستا، (ma) با فاصله پیش از فعل قرار می‌گرفته است. در فارسی میانه (ne) برای نفی و (ma) با

فاصله یا بی‌فاصله پیش از فعل قرار داشته است. وی همچنین اشاره می‌کند که این دو عنصر در فارسی دری بصورت "م، ن و نه" دیده می‌شوند. (انوری و گیوی، 1377، صص 274-276) / (Anvari & Givi, 1377, pp.274-276) سه پیشوند نفی (bi و na, nā) را برمی‌شمرند که بر سر اسم آمده و از آن صفت می‌سازد.

(آموزگار و تفضلی، 1380، صص 86) / (Amuzegar & Tafazzoli, 1380, p.86) قید منفی را (ma و ne) معرفی کرده‌اند. مشکوه الدینی (Meshkahuddini) عنصر نفی را در قالب نظریه گشتاری بررسی کرده و بر این باور است که نفی در ژرف ساخت ایجاد شده و آن را یکی از سه فرافکن جمله به حساب می‌آورد.

(وحیدیان کامیار و عمرانی، 1381، صص 64) / (Vahidian, Kamyar & Omrani, 1381, p.64) اشاره داشته‌اند که نفی همواره قبل از فعل اصلی بکار می‌رود اما در مجهول و زمان آینده قبل از فعل معین قرار می‌گیرد.

(ماهووتیان، 1997، صص 87-90) / (Mahootian, 1997, pp.87-90) در کتاب خود که به بررسی نفی در فارسی اختصاص دارد، نفی را به اقسام نفی جمله‌ای، نفی سازه‌ای، نفی مضاعف و نفی جملات همپایه و ناهمپایه تقسیم‌بندی کرده است. او نفی جمله‌ای را افزودن پیشوند (na/ ne) به فعل ساده یا جز فعلی افعال مرکب می‌داند. او همچنین معتقد است نفی مضاعف تنها در جملات منفی وجود دارد و فعل جملات پایه و ناهمپایه بصورت مستقل منفی می‌شوند مانند: نباید او را نادیده گرفت.

(شقاقی، 1381، صص 29) / (Shaghghi, 1381, p.29) با تمایز قائل شدن میان نفی نحوی و صرفی، به معرفی و بررسی سازه‌های نفی سازه‌ای در فارسی پرداخته است.

(صدیق ضیابری و جعفری، 1384، صص 49-67) / (Sediq, Ziabri & Jafari, 1384, pp.49-67) به بررسی جایگاه عنصر نفی در زبان فارسی در چارچوب برنامه کمینه‌گرا پرداخته و بیان کرده‌اند عامل نفی در همه افعال دارای مختصه (NEG) قوی است که به صورت پیشوندی به فعل مورد نظر متصل می‌شود.

همانطور که مشاهده می‌شود، بررسی‌های انجام گرفته در بحث نفی در فارسی صرف نظر از بحث رده‌شناسی بسیار قابل توجه است اما پژوهش‌های انجام گرفته از منظر رده‌شناسی معدود می‌باشد. یکی از آثاری که به بررسی نفی از دیدگاه رده‌شناسی پرداخته است مربوط به پایان نامه کارشناسی ارشد (آقایی بهزاد، 1372، صص 57) / (Aghai, Behzad, 1372, p.57) می‌باشد که در آن، نگارنده در این پژوهش به بررسی ساخت و اثری نفی در فارسی پرداخته است.

اثر دیگری که در خصوص نفی از دیدگاه رده‌شناسی وجود دارد، مقاله (منصوری، 1383، صص 341) / (Mansouri, 1383 p.341) می‌باشد که در چهارچوب الگوی (پینی، 1985، صص 180) / (Payne, 1985, p.180) صورت گرفته است. منصوری پس از معرفی و بررسی عنصر نفی در فارسی، نشان داده است که نفی معیار در فارسی ساخت‌وازی بوده و نیز نفی سازه‌ای نمی‌تواند فارسی را از نفی جمله‌ای بی‌نیاز کند. وی در پایان **خاطر نشان کرده است** که از چهار صورت ممکن نفی غیرمعیار، قید ذاتاً منفی "هرگز و هیچ"، قید منفی شده و کمیت نمای منفی دیده می‌شود اما کمیت نمای منفی شده در این زبان بکار نمی‌رود.

### 3. مبانی نظری عامل نفی

(گیون، 2001، ص 86) // (Givin, 2001, p.86) معتقد است زبان‌های گوناگون برای نشان دادن عامل منفی در صفات، گروه‌های فعلی و گروه‌های اسمی از مکانیزم‌های متفاوتی استفاده می‌کنند. در گروه‌های فعلی این عامل عمدتاً به صورت *وند* در پیش و یا پس از فعل ظاهر می‌گردد. صفات نیز برخی به لحاظ معنایی منفی هستند و برخی دیگر نیز به کمک *وندهایی* منفی می‌شوند. در رابطه با گروه‌های اسمی معمولاً کمیت‌نماها این نقش را به عهده دارند. به اعتقاد وی (همان)، نفی در گروه‌های فعلی از عمده‌ترین سازوکارهای منفی‌سازی در زبان‌ها هستند و از عوامل منفی پی‌بست‌ها، *وندهای* منفی و تصریف است. علاوه بر گروه‌های فعلی که با *وند* منفی می‌شوند، افعال وجهی ذاتاً منفی یا به تعریف (دبیرمقدم، 1367، ص 69) (69) Debir Moghaddam, 1367, p. افعال با معنای ضمنی منفی نیز وجود دارند که با وجود نداشتن ویژگی ظاهری منفی، مفهوم نفی را در خود دارند. وی مثال‌هایی از زبان انگلیسی ارائه می‌کند:

(1) He failed to pass = He didn't pass

They refused to come = they didn't come

گیون (همان) بیان می‌کند گاهی در برخی زبان‌ها، چنین افعالی معنای اصلی خود را از دست داده و به عنوان عامل منفی به صورت پیشوند یا پسوند بکار می‌روند. او مثالی از زبان بانئو ذکر می‌کند:

(2) a. Uku-bula

Inf- avoid (to avoid)

b. Uku-boomba

Inf-work (to work)

c. n-a-bula uku-booma

I-past-avoid inf-work (I avoided working)

d. uku-bulaa-boomba

inf-svoid-work (avoid working)

e. n-a-bulaa-boomba

I-past-NEG-work (I didn't work)

علاوه بر این، در خصوص دیگر عامل منفی جهانی یعنی کمیت‌نماهای منفی که به عقیده گیون برخاسته از جایگاه مفعول در افعال گذراست، وی معتقد است در ابتدا چنین سازه‌هایی در ساخت‌های منفی غیر تاکیدی ظاهر می‌شوند که با از دست دادن تکیه به صورت پی‌بست درآمده و جایگاه عامل منفی را اشغال می‌کنند. به عنوان مثال در زبان فرانسه مشاهده می‌کنیم:

(3) a. **ne** marche pas

NEG march step (don't march)

b. je **ne** connais **pas** cet homme

I NEG know NEG thid man

که در زبان محاوره با حذف عامل منفی اول، تنها عامل نفی دوم یعنی (pas) مشاهده می‌شود:

### c. je connais pas cet homme

علاوه بر این، گیون در خصوص صفات و گروه‌های اسمی منفی نیز صحبت می‌کند که در ادامه با استفاده از نظریات او با در نظر گرفتن پیکره زبان فارسی که حاصل مشاهدات پژوهش‌گر و نیز درموردی شم زبانی وی بوده است به بررسی هرکدام از این عناصر پرداخته خواهد شد.

### 4. نفی در فارسی معیار (پیکره پژوهش)

با بررسی آثار انجام گرفته در خصوص نفی در زبان فارسی، مشخص می‌شود که سازه نفی در فارسی از بسیاری جهات مورد بررسی قرار گرفته است. اما آنچه در این پژوهش از اهمیت بسیاری برخوردار است بررسی این عنصر از دیدگاه نقش‌گرایی (گیون، 2001، ص 71) / (Givin, 2001, p.71) می‌باشد.

### 4.1. صفات منفی

گیون (Givin) معتقد است از دیدگاه شناختی، رویداد<sup>1</sup> تغییری در جهان ثابت می‌باشد. او معتقد است دو وضعیت از رویداد وجود دارد: وضعیت ثابت<sup>2</sup> یا رویدادهای مثبت که بسامد وقوع آنها بیشتر بوده و اصل هستند و وضعیت متغیر<sup>3</sup> که شامل رویدادهایی هست که از بسامد وقوع کمتری برخوردار بوده و ضد هنجار محسوب می‌شوند. در خصوص وضعیت صفات متضاد می‌توان چنین گفت که یک عضو از این جهت‌ها نشان‌دهنده عدم حضور و عضو دیگر نشان‌دهنده حضور یک ویژگی می‌باشد. در این حالت، عضو منفی نشان‌دار بوده و کاربرد محدودی دارد زیرا ویژگی‌های بارز کمتری از خود به نمایش می‌گذارد. اما عضو مثبت بی‌نشان است و کاربرد آن حیطة وسیعی را در برمی‌گیرد. به عنوان مثال در پاسخ به دو سوال زیر:

(4) الف. دریاچه چقدر بزرگ است؟

ب. خیلی بزرگ

ج. خیلی کوچک

تنها جواب "ب" قابل قبول است در صورتی که جواب "ج" تنها در موارد کمی می‌تواند به عنوان پاسخ صحیح به‌کاربرده شود:

(5) الف. دریاچه چقدر کوچک است؟

ب. خیلی کوچک

در جدولی که در زیر مشاهده می‌گردد چند نمونه از صفات متضاد دیده می‌شود. (گیون، 2001) (Givin, 2001) معتقد است براساس ویژگی‌های بارز صفات می‌توان چنین بیان کرد که حضور عناصر منفی با ویژگی‌های بارز کمتر (عدم حضور) باعث پررنگ‌تر شدن و برجستگی بیشتر یا حضور عضو دیگر می‌گردد.

<sup>1</sup> Event

<sup>2</sup> Stative

<sup>3</sup> Change

ویژگی ادراکی	عضو منفی	عضو مثبت
درک دیداری	کوتاه	بلند
"	جوان	مسن
"	پایین	بالا
درک بساوایی	سبک	سنگین
"	نرم	سفت
"	سرد	گرم

### جدول 1. صفات متضاد دوتایی

علاوه بر صفات متضاد دوتایی، دسته محدود دیگری از صفات نیز وجود دارند که به روش ساخت‌وازی منفی می‌شوند. دسته‌ای از این صفات با استفاده از "غیر-" منفی می‌شوند. تعدادی از این افعال نیز در جدول 2 قابل مشاهده است.

عضو مثبت	عضو منفی
خودی	غیرخودی
معمول	غیرمعمول
عادی	غیرعادی

### جدول 2. صفات متضاد دووجهی ساخت‌وازی

صفات موجود در جدول بالا از نوع صفات متضاد دو وجهی هستند که نفی یکی معادل دیگری می‌باشد. به عنوان مثال اگر چیزی عادی نباشد می‌توان گفت آن چیز غیرعادی است. گروه دیگری از صفات که به صورت ساخت‌وازی وبا استفاده از پیسوند منفی‌ساز "نا" منفی می‌شوند نیز در جدول 3 قابل مشاهده می‌باشد. ( شقاقی، 1381، ص 90-95) / (Shaghghi, 1381, pp.90-95) می‌نویسد "نا" برای افزودن معنای منفی یا متضاد به اسم بکار می‌رود و صفت می‌سازد. این صفات منفی اغلب جفت مثبتی نیز دارند، گرچه این یک اصل کلی به حساب نمی‌آید" و برخی صفات منفی نیز وجود دارند که صورت هنجار (مثبت) ندارند (مانند ناملایمات/ \*ملایمات، ناهنجاری/ \*هنجاری).

عضو مثبت	عضو منفی
خوشایند	ناخوشایند
زیبا	نازیبا
خوانا	ناخوانا
راحت	ناراحت

### جدول 3. صفات متضاد ساخت‌وازی

(6) الف. منظره زیبا است.

ب. منظره زیبا نیست.

ج. منظره نازیبا است.

د. منظره نازیبا نیست.

(گیون، 2001) / (Givin, 2001) معتقد است در نمونه‌هایی مانند مثال (6)، نمی‌توان گفت (6) الف و (6) د معادل هم و (6) ب و (6) ج نیز معادل یکدیگر می‌باشند. به عقیده وی، در جمله دوم و سوم، نفی در مثال ب نحوی و بسیار قوی‌تر از نفی در مثال ج است که به صورت ساخت‌وازی بیان شده است. البته از لحاظ معنایی باید گفت در مثال ب دو تفسیر "منظره زشت است/ منظره متوسط است" وجود دارد اما در مثال د تنها یک تفسیر وجود دارد. در ادامه به بررسی نفی گروه فعلی (نفی نحوی) بیشتر پرداخته خواهد شد.

#### 4.2. گروه اسمی منفی

در این نوع نفی که به آن نفی تأکیدی<sup>4</sup> نیز گفته می‌شود، عامل منفی به سازه‌ای غیر از سازه فعلی مانند فاعل، مفعول و غیره متصل می‌شود. در فارسی عامل منفی در این نمونه از منفی تصریفی نمی‌باشد. (منصوری، 1383) / (Mansouri, 1383) معتقد است که این عنصر در زبان فارسی کمیت‌نمای ذاتاً منفی می‌باشد. به مثال (7) توجه کنید:

(7) الف. آن مرد کتابی به پسر داد.

ب. آن مرد کتابی به پسر نداد.

ج. هیچ مردی کتابی به پسر نداد.

د. مرد هیچ کتابی را به پسر نداد.

ه. مرد کتابی را به هیچ پسری نداد/ مرد به هیچ پسری کتابی نداد.

در جمله (7) ج شاهد هستیم که عنصر منفی "هیچ" با قرار گرفتن پیش از فاعل آن را منفی کرده است. در (7) د این عنصر با قرار گرفتن پیش از جایگاه مفعول مستقیم این جایگاه را منفی کرده است. در جمله آخر نیز عنصر منفی با قرار گرفتن پیش از مفعول غیرمستقیم باعث منفی شدن آن شده است. در همه مثال‌های فوق شاهد این هستیم که کمیت‌نمای ذاتاً منفی "هیچ" با قرار گرفتن در هر جایگاهی از جمله، علاوه بر منفی کردن آن جایگاه، فعل اصلی را نیز منفی کرده است. به عبارت دیگر کمیت‌نماهای ذاتاً منفی تنها در جمله‌های منفی ظاهر می‌شوند. در زیر شاهد مثال‌های دیگری از گروه‌های اسمی منفی شده هستیم.

(8) الف. کسی آمد.

ب. کسی نیامد/ هیچ کس نیامد.

(9) الف. چیزی روی میز است.

ب. چیزی روی میز نیست.

ج. هیچ چیز روی میز نیست.

در دو مثال (8) و (9) نیز می‌بینیم عامل منفی "هیچ" با قرار گرفتن پیش از ضمایر می‌تواند آنها را منفی کند. در همه مثال‌های بالا شاهدیم که جمله بدون عامل منفی‌ساز "هیچ" نیز می‌تواند منفی شود

<sup>4</sup> Emphatic



و این سازه، سازه‌ای اختیاری می‌باشد. اما با توجه به اصطلاح منفی تأکیدی می‌توان دید این سازه برای تأکید بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و در واقع بنا بر تعریف (گیون، 2001) / (Givin, 2001) چنین ساخت‌هایی نوعی منفی سازی دوگانه<sup>5</sup> می‌باشند که در برخی زبان‌های اروپایی نیز قابل مشاهده هستند.

### 4.3. گروه فعلی منفی

گروه فعلی منفی رایج ترین نمونه منفی‌سازی در زبان‌ها بوده و همه زبان‌ها با استفاده از سازه‌ها و عناصر ویژه‌ای توانایی منفی‌کردن افعال را دارند. در زبان فارسی منفی‌سازی گروه فعلی به صورت ساخت‌وازی بوده و عامل منفی تکواژ پیشوندی (na) یا تکواژگونه‌های آن (ni- و ne) می‌باشد. منفی‌سازی در گروه‌های فعلی با پیش‌بینی گریبنرگ نیز در خصوص اینکه در زبان‌های (SVO) عنصر منفی، سازه‌ای پیشوندی است مطابقت می‌کند. در خصوص منفی‌سازی در گروه فعلی، (گیون، 2001، ص 382) / (Givin, 2001, p.382) معتقد است با ظهور عامل منفی، تنها بخشی از جمله و نه تمام آن منفی می‌شود. او آن قسمت از جمله را که منفی نمی‌شود گزاره<sup>6</sup> جمله می‌داند. علاوه بر این، گیون (همان) معتقد است جایگاه فاعل در دامنه عامل منفی قرار نمی‌گیرد و در واقع بخشی از گزاره جمله به حساب می‌آید. علاوه بر سازه منفی که با قرار گرفتن پیش از فعل، آن را منفی می‌کند، افعال معدودی وجود دارند که دارای معنای ضمنی منفی<sup>7</sup> هستند گرچه در ظاهر هیچ نشانی از منفی بودن در آنها دیده نمی‌شود:

(10) رضا علی را از این کار منع کرد.

(رضا گفت علی این کار را نکند)

(11) آنها از ورود دشمن به شهر جلوگیری کردند.

(آنها اجازه ندادند دشمن وارد شهر شود)

(12) کودک از خوردن غذا امتناع کرد.

(کودک غذا را نخورد)

(13) معلم دانش آموزان را از تقلب در امتحان بازداشت.

(معلم نگذاشت دانش آموزان در امتحان تقلب کنند)

(دبیرمقدم، 1367، ص 96) / (DebirMoghaddam, 1367, p. 96) معتقد است افعال دارای معنای ضمنی (خواه مثبت خواه منفی) حامل این پیام هستند که عمل باموفقیت انجام گرفته است. پیشوند منفی می‌تواند پیش از این گونه افعال قرار بگیرد. در این صورت، افعال منفی‌شده گواهِ بر عدم موفقیت در عمل می‌باشند.

(14) تیم فوتبال حریف را در خانه خود شکست نداد.

(تیم فوتبال نتوانست برنده مسابقه باشد)

<sup>5</sup> Double Negation

<sup>6</sup> Proposition

<sup>7</sup> Inherent Negative verbs

همانگونه که پیش از این نیز ذکر شد، تعداد افعال بامعنای ضمنی مثبت یا بدون معنای ضمنی بسیار بیشتر بوده و به منظور منفی کردن این نوع از گروه های فعلی از پیشوند منفی ساز استفاده می شود.

(15) علی این دروغ بزرگ را گفت --> علی این دروغ بزرگ را نگفت.

(16) مادر گذاشت کودک در خاک بازی کند --> مادر نگذاشت کودک در خاک بازی کند.

(17) پول را از روی زمین برداشتم --> پول را از روی زمین برنداشتم.

در همه مثال های بالا مشاهده می شود عامل منفی پیش از عنصر فعلی قرار می گیرد. البته همانگونه که پیش از این ذکر رفت، به نظر گیون دربرخی زبان ها افعال با معنای ضمنی منفی می توانند در قالب وند به عنوان عامل منفی ساز استفاده شوند که درخصوص زبان فارسی باید گفت که این زبان از جمله زبان هایی است که از چنین افعالی به عنوان وند منفی استفاده نمی کند.

#### 4.4. منفی در افعال معین

(قریب و همکاران، 1369، ص 179) / (Gharib & colleagues, 1369, p.179) فعل معین را فعلی می دانند که فعل های دیگر با آنها صرف می شوند. مشکوة الدینی معتقد است فعل معین به همراه فعل واژگانی صورت های خاص فعل را پدید می آورند. (فضلی، 1385، ص 158) / (Fazzoli, 1385, p.158), (حق بین و فضلی، 1388، ص 55) / (Haqbin & Fazzoli, 1388, p. 55) افعال معین را در چهار گروه افعال معین نمودنما، افعال معین جهت نما، افعال معین وجه نما و افعال معین زمان نما طبقه بندی می کنند. در ادامه به بررسی عامل منفی در هر کدام از زیر گروه ها پرداخته می شود. دو فعل بودن (در زمان حال و گذشته، نشان دهنده نمود کامل) و داشتن (حال و گذشته، نشان دهنده استمرار) از افعال معین نمودنما هستند:

(18) الف. غذا پخته است.

ب. غذا پخته نیست.

ج. غذا نپخته است.

(19) الف. شیشه شکسته بود.

ب. شیشه نشکسته بود.

ج. شیشه شکسته نبود.

در هر دو مثال بالا، در فعل معین "بودن" عنصر منفی می تواند هم پیش از فعل معین قرار بگیرد هم پیش از صفت مفعولی.

(20) الف. داشت می نوشت.

ب. نداشت می نوشت.

ج. داشت نمی نوشت.

د. نمی نوشت.

(21) الف. دارم می خورم.

ب. ندارم می‌خورم.

ج. دارم نمی‌خورم.

د. نمی‌خورم.

دو مثال (20) و (21) نشان می‌دهند در خصوص فعل معین "داشتن" که نشان‌دهنده استمرار می‌باشد، پیشوند منفی نه می‌تواند پیش از فعل معین قرار بگیرد نه پیش از فعل واژگانی. به عقیده (منصوری، 1383) (Mansouri, 1383) بر اثر این نوع نفی، تقابل وجه مستمر و غیرمستمر خنثی می‌گردد:

(22) الف. غذا می‌خورم.

ب. غذا نمی‌خورم.

فعل معین "شدن" از افعال جهت‌نا و نشان‌دهنده مجهول می‌باشد. در مثال (23) می‌بینیم که پیشوند منفی‌ساز پیش از این فعل قرار می‌گیرد:

(23) الف. لباس‌ها را شستیم.

ب. لباس‌ها شسته شدند.

ج. لباس‌ها نشسته شدند.

د. لباس‌ها شسته خواهند شد.

دو فعل معین "خواستن" نشان‌دهنده آینده و توانستن" با معنای توانایی و امکان، "باید" نشان‌دهنده ضرورت و "شاید" نشان‌دهنده احتمال و امکان در زیرگروه افعال معین و جهنا قرار می‌گیرند:

(24) الف. می‌خواهد درس بخواند.

ب. نمی‌خواهد درس بخواند.

ج. می‌خواهد درس نخواند.

د. نمی‌خواهد درس نخواند.

در مثال بالا، جمله (24) الف جمله‌ای مثبت است. در (24) ب، فعل معین منفی شده و در (24) ج فعل واژگانی منفی شده است. هر دو جمله فوق، منفی جمله الف می‌باشند. در جمله آخر هم فعل معین و هم فعل واژگانی منفی شده است و همان مفهوم جمله الف را انتقال می‌دهد. البته باید توجه داشت که پردازش زمانی جمله د با مدت زمان بیشتری همراه می‌باشد. علاوه بر فعل کمکی "خواستن"، این فعل با معنای واژگانی قصد داشتن نیز به کار می‌رود که به صورت ساخت واژی منفی می‌گردد:

(25) الف. می‌خواهد درس خواندن را ادامه دهد.

(قصد دارد درس بخواند)

ب. نمی‌خواهد درس خواندن را ادامه دهد.

(قصد ندارد درس بخواند)

ج. می‌خواهد درس خواندن را ادامه ندهد.

(قصد دارد درس نخواند)

در دو جمله نخست قصد داشتن یا قصد نداشتن در دامنه عامل منفی قرار می‌گیرد در صورتی که با مقایسه جمله اول و آخر، ادامه دادن درس یا ادامه ندادن آن در سطره منفی قرار می‌گیرد.

در مورد "توانستن" نیز باید گفت بیشتر به عنوان فعل واژگانی کاربرد دارد اما در صورتی که به عنوان فعل معین استفاده شود شاهد رفتاری کم و بیش متفاوت از آن هستیم.

(26) الف. می‌تواند بیاید

ب. نمی‌تواند بیاید.

ج. می‌تواند نیاید.

د. نمی‌تواند نیاید.

در ب فعل معین و در جمله ج فعل واژگانی منفی شده است که هر دو را می‌توان به عنوان نفی جمله الف پذیرفت. اما در جمله د که در آن هم فعل معین و هم فعل واژگانی منفی شده، شاهد تغییر معنایی هستیم. به بیان دیگر، گرچه سه جمله نخست مفهوم امکان را می‌رسانند اما این جمله دارای شدت بیشتری بوده و نشان‌دهنده ضرورت و اجبار می‌باشد.

"باید" و "شاید" نیز در طبقه افعال معین و جهنما قرار می‌گیرند. (حق بین و فضلی، 1388، ص 57) (Haqbin & Fazzoli, 1388, p.57) معتقدند این دو واژه تحت فرآیند واژگانی‌شدگی قرار گرفته و اکنون به صورت یک واژه درآمده‌اند:

(27) الف. دختران باید درس بخوانند.

ب. دختران نباید درس بخوانند.

ج. دختران باید درس نخوانند.

د. دختران نباید درس نخوانند.

همانگونه که در مثال بالا مشاهده می‌شود، رفتار "باید" نیز مانند دو فعل "توانستن" و "خواستن" است که در رو صورت معادل نفی جمله نخست و در یک صورت نیز که هر دو فعل معین و واژگانی منفی می‌شوند معادل آن است.

(28) الف. شاید دیده‌باشم.

ب. شاید ندیده‌باشم.

ج. شاید دیده‌نباشم.

(29) الف. شاید بیاید.

ب. شاید نیاید.

همان‌طور که در دو مثال بالا مشخص است، پیشوند نفی که عامل منفی کردن فعل می‌باشد نمی‌تواند پیش از "شاید" قرار گیرد. این رفتار واژه "شاید" در مقابل "باید" را چنین می‌توان توجیه کرد که "باید" در مراحل ابتدایی واژه‌شدگی قرار دارد و هنوز برخی ویژگی‌های فعلی از خود نشان می‌دهد. اما "شاید" کاملاً واژگانی‌شده است.

## 5. دامنه نفی

در خصوص دامنه نفی در گزاره‌ها (گیون، 2001) / (Givin, 2001) به وجود دو دامنه محدود<sup>8</sup> و دامنه گسترده<sup>9</sup> قایل است. به عقیده وی، دامنه نفی در گروه های فعلی از نوع دامنه محدود می‌باشد

<sup>8</sup> Narrow scope

زیرا تنها قسمتی از گزاره در دامنه نفی قرار گرفته و قسمت دیگر آن خارج از محدوده قرار می‌گیرد و در واقع بخش از پیش مفروض گزاره می‌باشد. در مثال‌های (30) و (31)، مفعول و گروه قیدی قسمت از پیش مفروض می‌باشند.

(30) الف. علی کتابی که روی میز بود را خرید.

(کتاب روی میز بود، علی آن را خرید)

ب. علی کتابی که روی میز بود را **نخرید**.

(کتاب روی میز بود، علی آن را نخرید)

در مثال بالا، در هر دو صورت مثبت و منفی جمله، قسمت از پیش مفروض گزاره ثابت بوده و تغییری در آن بوجود نمی‌آید.

(31) الف. به کتابخانه‌ای که در کنار خیابان بود نگاه می‌کردم.

(کتابخانه در کنار خیابان بود، به آن نگاه می‌کردم)

ب. به کتابخانه‌ای که در کنار خیابان بود **نگاه نمی‌کردم**.

(کتابخانه در کنار خیابان بود، به آن نگاه نمی‌کردم)

با بررسی صفاتی که به صورت ساخت‌واژی بررسی می‌شوند نیز می‌توان نتیجه گرفت عامل نفی تنها بخشی از گزاره را منفی می‌کند و در واقع دامنه عامل نفی در اینجا نیز محدود می‌باشد.

(32) الف. نامه با دست خط خوانا نوشته شده بود.

(نامه نوشته شده بود، دست خط خوانا بود)

ب. نامه با دست خط **ناخوانا** نوشته شده بود.

(نامه نوشته شده بود، دست خط ناخوانا بود)

در رابطه با نفی تاکیدی یا گروه‌های اسمی منفی که با عنصر "هیچ" نفی می‌شوند می‌توان گفت نه تنها همه گزاره در دامنه عامل نفی قرار می‌گیرد، که بر عدم صدق گزاره در ذهن شنونده و نفی کل گزاره می‌انجامد. مثال (7) را می‌توان مجدداً بررسی کرد:

(33) الف. مردی کتابی به پسر داد.

(مردی وجود داشته که کتابی را به پسر داد)

ب. **هیچ مردی** کتابی به پسر **نداد**.

(مردی وجود نداشته که کتابی به پسر بدهد)

ج. مرد **هیچ کتابی** به پسر **نداد**.

(هیچ کتابی وجود نداشته که مرد آن را به پسر بدهد)

د. مرد کتابی به **هیچ پسر** **نداد**.

(هیچ پسر نبوده که مرد کتابی به او بدهد)

ه. **هیچ مردی هیچ کتابی** به **هیچ پسر** **نداد**.

(نه مرد، نه کتاب و نه پسر وجود نداشته است)

## 6. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

<sup>9</sup> Broad scope

در این مقاله عامل نفی از دیدگاه رده‌شناختی از منظری جدید مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش نشان می‌دهد که نفی درصفت هم به صورت ساخت‌واژی با افزودن پیشوند "نا" و هم واژگانی (صفات متضاد) می‌باشد. نفی در گروه‌های اسمی به کمک عامل منفی "هیچ" صورت می‌پذیرد که این عامل خود باعث منفی‌شدن فعل جمله نیز می‌گردد. در واقع با منفی‌شدن اسم یا گروه اسمی، فعل نیز الزاماً منفی می‌شود. در گروه‌های فعلی نیز نفی به صورت ساخت‌واژی و با افزودن پیشوند "ن" اتفاق می‌افتد. علاوه بر این، بررسی سازه منفی در افعال معین نشان داد که در فعل‌های معین وجه‌نمای "خواستن و توانستن" و فعل معین واژگانی‌شده "باید" سازه منفی هم پیش از فعل معین قرار می‌گیرد هم پیش از فعل واژگانی. در رابطه با فعل معین نمودنمای "بودن" نیز همین رفتار قابل پیش‌بینی می‌باشد. در فعل معین، وجه‌نمای "شدن" و فعل واژگانی‌شده "شاید"، تنها فعل واژگانی منفی می‌شوند. فعل معین نمودنمای "داشتن" رفتار متفاوتی از خود به نمایش می‌گذارد. در این فعل کمکی، سازه منفی نه پیش از فعل کمکی قرار می‌گیرد نه پیش از فعل واژگانی. تقابل صورت منفی این فعل نمودنما با صورت منفی وجه‌نمای آن خنثی می‌شود. البته زبان فارسی از آن دسته زبان‌هایی نمی‌باشد که از افعال با معنای ضمنی منفی که به صورت وند درآمده‌اند و یا عوامل منفی‌ساز برخاسته از جایگاه مفعولی به عنوان عامل منفی استفاده کند. سیطره عامل نفی در گروه‌های فعلی و صفات منفی ساخت‌واژی محدود بوده و تنها بخشی از گزاره را در برمی‌گیرد. در صورتی که سیطره نفی در گروه‌های اسمی گسترده بوده و همه گزاره را در برمی‌گیرد. علاوه بر این، با توجه به دسته بندی گیون از عامل منفی صفات، گروه‌های اسمی فعلی می‌توان گفت زبان فارسی معیار از همه انواع این عوامل منفی استفاده می‌کند. اما با وجود داشتن افعال با معنای ضمنی منفی و کمیت‌نماهای منفی که همواره با معنای اصلی خود به‌کار می‌روند، در این زبان وندهای منفی حاصل از این دو طبقه واژگانی وجود ندارند.

### منابع

- ابوالقاسمی، محسن. (1375). دستور تاریخی زبان فارسی. انتشارات سمت. تهران.
- آموزگار، ژاله؛ تفضلی، احمد. (1380). زبان پهلوی: ادبیات و دستور آن. انتشارات معین. تهران.
- البرزی و رکی، پرویز. (1381). "رده‌شناسی ساخت واژی". مجله زبان‌های خارجی، دانشگاه تهران. شماره (12) صص: 3-18.
- انوری، حسن؛ گیوی، حسن. (1377). دستور زبان فارسی. انتشارات فاطمی. تهران
- ثمره، یدالله (1371). "تحلیلی بر رده‌شناسی زبان فارسی". مجله زبان‌شناسی، شماره (13) صص: 61-80.
- حق‌بین، فریده؛ فضلی، منصوره‌سادات. (1388). "فعل‌های معین در فارسی و فرضیه فعل معین دو وجهی"، دو فصل نامه علمی-پژوهشی زبان پژوهی. سال اول. شماره (1). صص: 35-50, 55, 57.

- ناتل خانلری، پرویز. (1369). تاریخ زبان فارسی. نشر نو. تهران.
- ناتل خانلری، پرویز. (1377). دستور تاریخی زبان فارسی. انتشارات توس. به کوشش عفت مستشارنیا. تهران.
- دبیرمقدم، محمد. (1367). "ساختهای سببی در زبان فارسی". مجله زبان شناسی. شماره (1). ص ص : 13-67,69,96.
- شقایق، ویدا. (1381). "پیشوند نفی در زبان فارسی"، مجله فرهنگستان. شماره (19). ص ص : 29,95-90.
- صدیق ضیابری، رویا؛ جعفری، آرینا؛ دبیرمقدم، محمد. (1384). "تحلیل جایگاه عنصر نفی در زبان فارسی در چارچوب برنامه کمینه‌گرا"، مجموعه مقاله‌های نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران. ص ص: 49-67.
- فضلی، منصوره‌سادات. (1385). "بررسی مقوله‌های بی‌آوای زبان فارسی بر پایه برنامه کمینه‌گرا". پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا. تهران. ایران.
- قریب، عبدالعظیم و همکاران. (1369). دستور زبان فارسی (پنج‌استاد). واژه. تهران.
- گلفام، ارسلان. (1379). "شباهت‌ها و تفاوت‌های زبانی: جهانی‌های رده‌شناسی"، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. تهران. شماره (155) ص ص : 170-191.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (1370). دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری. انتشارات دانشگاه فردوسی. مشهد.
- منصوری، مهرزاد. (1383). "نفی در زبان فارسی از منظر رده‌شناسی زبانی". ششمین کنفرانس زبان‌شناسی. تهران. ص ص: 339-349.
- وحیدیان کامیار و عمران. (1381). دستور زبان فارسی. انتشارات سمت. تهران.

## References

- Abu al-Qasimi, Mohsen. (1375). Historical Grammar of Persian Language. Samit Publications. Tehran.
- Aghai, Behzad. (1372). "Negation patterns in Persian: A Typological Approach". Unpublished M.A. Thesis. Allameh Tabatabai University.
- Alborzi Varki, Pervez. (1381). "Classification of lexical construction". Journal of Foreign Languages of Tehran University. No.( 12), 3-18.
- Amuzegar, Jaleh; Tafazzoli, Ahmed. (1380). Pahlavi language: its literature and grammar. Moein Publications. Tehran.
- Anvari, Hassan; Givi, Hassan. (1377). Persian language Grammar. Fatemi Publications. Tehran.
- Bernini, G; Ramat, P. (1996). "Negative Sentences in the Languages of Europe: A Typological Approach". In Mouton de Gruyter. 102-107.

- Collberg, S., Jaknsson, D. G. (1999). "Prohibition: Negative Imperatives and the Parametric Typology of Negation". Lun University. Dep. Of Linguistics. Working Papers A7: 25-37.
- Dahl, O. (1979). "Typology of Sentence Negation". *Linguistics*. (17). 79-106.
- DebirMoghaddam, Mohammad. (1367). "Causative Constructions in Persian". *Journal of Linguistics* . No .(1). 67-13,69,96.
- Fazzoli, Mansour Sadat. (1385). "Examining voiceless categories of Persian language". based on minimalist program. master's thesis. Al-Zahra University. Tehran.Iran.
- Givin, T. (2001). *Syntax, An Introduction*. Amsterdam, Philadelphia. John Benjamins Publishing.
- Gharib, Abdulazim and colleagues. (1369). Persian Grammar (five professors). Tehran . Vajah.
- Golfam, Arslan. (1379). "Linguistic similarities and differences: worlds of taxonomy", Tehran University Faculty of Literature and Humanities Journal. No. (155). 170-191.
- Horn, L.R. (1978). "Remarks on neg-raising" in Cole, P. (ed.), *Syntax and Semantics 9: Pragmatics*. New York. Academic Press . 129 – 220.
- Haqbin, Farida; Fazzoli, Mansour Sadat. (1388). "Definite verbs in Farsi and the two-faced definite verb hypothesis". two chapters of the scientific-research journal of language research . first year. No. (1), .35-50,55,57.
- Jensen, A. A. (1993). Typological Studies in Negation. By Peter Karel and Rene van den Berg. Amsterdam.
- Karlowen den berg, P. J.(1994). "Aspects of Negation". Unpublished PhD Thesis, Amsterdam University .
- Mansouri, Mehrzad. (1383). "Negation in Persian language from the perspective of linguistic taxonomy". 6th Linguistics Conference. Tehran.339-349.
- Mahootian, S. (1997). *Persian*. London and New York: Routledge. pp: 87-90.
- Meshkahuddini, Mahdi. (1370). Persian Grammar Based on Gestari Theory FerdowsiUniversityPublications.Mashhad.
- Natal Khanleri, Parviz. (1369). History of the Persian language . New publication. Tehran.



- Natal Khanleri, Parvez. (1378). A historical grammar of the Persian language . by Efat Mishtaranya. TOS Publications . Tehran.
- Payne, J. (1985). "Negation. In T. Shopen (eds.). Language Typology and Syntactic Description". Cambridge University Press .180 .
- Samra, Yadullah. (1371). "Analysis of Persian language taxonomy". Journal of Linguistics. No.( 13). 61-80.
- Sediq Ziabari, Roya; Jafari, Azita. (1384). "Analysis of the position of negation element in Persian language in the framework of the minimalist program". collection of articles of the first conference of the Iranian Linguistics Association. 49-67 .
- Shaghghi, Vida. (1381). "Negative Prefixes in Persian", Farhangistan Magazine. No.( 19). 29, 90-95.
- Vahidian Kamyar and Omrani. (1381). Persian language Grammar. Samit publications.Tahren.
- Verel, A. (2000). "A Typology of Negation in Definiteness". Amherst University of Massachusetts.pp:43-49 .

## علامة النفي في اللغة الفارسية: تحليل تصنيفي بالاعتماد على نموذج كيون الوظيفي

م. د حيدر نعيم حمزه الزوامل  
جامعة القادسية / كلية الآثار / قسم الدراسات المسماوية

### المستخلص:

حظيت الدراسة التصنيفية حول علامة النفي في لغات مختلفة باهتمام كبير وتمت دراسة هذا الشكل في اللغة الفارسية من جوانب عديدة. تهدف هذه الدراسة إلى التحقق من جوانب مختلفة لعلامة النفي في الصفات والعبارات الإسمية والعبارات الفعلية باستخدام النهج التصنيفي. تشير نتائج الدراسة الحالية إلى أن النفي في الصفات يحدث بشكل صرفي ولغوي في العبارات الإسمية ويُعبّر عن النفي باستخدام علامة النفي "هيج" (تعني "لا" أو "لا شيء")، التي عندما تنفي الاسم أو العبارات الإسمية، تنفي الفعل أيضاً بالحالات الضرورية. أما في العبارات الفعلية فيتم تشكيل النفي صرفياً عن

طريق إضافة البادئة "لا-" إلى الفعل أو أشكالها المختلفة في الإضافات المشروطة في أفعال مثل "خواستن" (أن يرغب) و"توانستن" (أن يتمكن)، تسبق علامة النفي كل من الفعل والعبارات الفعلية. في الأفعال ذات الشكل النموذجي "بودن" (أن يكون) والفعل المعجمي "بايد" (يجب). تستخدم علامة النفي إما قبل الإضافة أو قبل الفعل الرئيس في الإضافة الشرطية/ أن يصبح/ "شدن" والكلمة المعجمية/ ربما/ "شايد". يكون تأثير علامة النفي في الجمل والعبارات الفعلية والصفات المنفية الصرفية محدوداً ويغطي فقط جزءاً من العبارة , بينما يمتلك النفي نطاقاً أوسع في الجمل والعبارات الاسمية حيث يشمل العبارة بأكملها.

**الكلمات المفتاحية:** التحليل التصنيفي، عامل النفي، النفي النحوي، النفي التأكيدي، مجال النفي